

آینده کسانی پیدا می‌شوند که ادعای محبت ما را می‌کنند و به صوفیه نیز تمایل نشان می‌دهند و خود را به ایشان تشبیه نموده و لقب آنان را بر خود می‌گذارند و سخنانشان را تأویل و توجیه می‌نمایند. هر کس به ایشان تمایل نشان دهد، از ما نیست و ما از او بیزاریم»^(۴).

بسیار واضح است که قدر متیقن از مراد امام 7 صوفی‌های به ظاهر شیعه است که دعوی محبت اهل بیت : را می‌نمایند و لقب صوفی بر خود می‌گذارند. پس صوفی‌های شیعه‌نما نیز راه‌گزینی از این روایات ندارند.

پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب

تصوّف

در نگاه روایات (۳)



www.adyannet.com

تصوف در نگاه روایات

۱. کلینی صاحب کتاب شریف کافی به سند معتبر از «سدیر صیرفی» روایت کرده است که: روزی از مسجد بیرون می‌آمدم و امام باقر 7 داخل مسجد می‌شد، حضرت دست مرا گرفت، رو به کعبه نمود و فرمود: «ای سدیر! مردم از جانب خداوند مأمور شدند که بیایند و این خانه را طواف کنند و به نزد ما آیند و ولایت خود را بر ما عرضه نمایند».

سپس فرمود: «یا سدیر فاریک الصّادّین عن دین الله. ثم نظر إلى أبي حنيفة و سفیان الثوری فی ذلک الزّمان و هم حلّق فی المسجد فقال: هؤلاء الصّادّون عن دین الله بلا هدی من الله و لا کتاب مبین. إنّ هؤلاء الأخابث لو جلسوا فی بیوتهم فجال الناس فلم یجدوا أحداً یُخبرهم عن الله تبارک و تعالی و عن رسوله 9

حتی یأتونا فنخبرهم عن الله تبارک و تعالی و عن رسوله؛^(۱) ای سدیر! می‌خواهی کسانی را که مردم را از دین خدا باز می‌دارند به تو نشان دهم؟ آن‌گاه به ابوحنیفه و سفیان ثوری که در مسجد حلقه زده بودند، نگریست و فرمود: اینها هستند که بدون هدایت از جانب خدا و سندی آشکار، از دین خدا جلوگیری می‌کنند. اگر این پلیدان در خانه‌های خود بنشینند و مردم را گمراه نکنند، تا مردم کسی را که از خداوند تبارک و تعالی و رسولش خبرشان دهد نیابند، مردم به سوی ما می‌آیند و ما ایشان را از جانب خدا و رسول خبر می‌دهیم».

در این روایت از سفیان ثوری (م ۱۶۱ هجری) که از سران صوفیه محسوب می‌شده، به شدت انتقاد شده است.

همچنین امام باقر 7 در این حدیث به خطر آن دو نفر که سمبل دو جریان و حرکت آن زمان بودند و دستگاه خلافت آن‌ها را در مقابل خاندان رسالت تراشیده بود، اشاره کرده است.

۲. در کتب معتبر روایت کرده‌اند که جمعی از صوفیان بر امام رضا 7 وارد شدند و به عنوان اعتراض گفتند: مأمون فکرکرد و رأی او چنین شد که امامت و ولایت را به تو بدهد؛ ولی امامت حق کسی است که غذای سفت بخورد و لباس زبرپوشد و سوار خر شود و به عیادت مریض برود و تو این کارها را نمی‌کنی.

حضرت به آن‌ها فرمود: «إِنَّ يَوْسُفَ كَانَ نَبِيًّا يَلْبَسُ أَقْبِيَةَ الدِّيْبَاجِ الْمَزُورَةَ بِالذَّهَبِ وَيَجْلِسُ عَلَيَّ مَتَكَاتِ آلِ فِرْعَوْنَ وَيَحْكُمُ، إِنَّمَا يَرَادُ مِنَ الْإِمَامِ قَسْطُهُ وَعَدْلُهُ إِذَا قَالَ صَدَقَ وَإِذَا حَكَّمَ عَدَلَ وَإِذَا وَعَدَ أَنْجَزَ ثُمَّ قَرَأَ: قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ؛^(۲) یوسف پیامبر

بود و قباهای دیبای مطلا می‌پوشید و بر مسند آل فرعون تکیه می‌زد و حکم می‌راند. [وای بر شما!] همانا از امام عدالت و دادگری متوقع است که چون سخن گوید، راست بگوید و چون حکم کند، به عدالت باشد و چون وعده دهد، به وعده خود وفا کند. سپس آن حضرت آیه [زیر] را

۲. اثنی عشریه، ص ۳۴.

قرائت فرمود:

«بگو چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان آفریده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است». البته به این مضمون، روایات بسیاری وارد شده که صوفیان و ریاکاران به روش زندگی سایر ائمه اطهار : نیز اعتراض کرده‌اند و پاسخ‌های متعددی شنیده‌اند.

عجیب است که صوفیان نسل‌های بعد برای جلب عوام، سلسله ارشاد خود را گاهی به امامان معصوم : نسبت داده و برخی از آنان را جزء مشایخ خود شمرده‌اند، در حالی که نیاکانشان در حال حیات امامان با آنان معارضه می‌کردند و به شدت، مورد غضب و ردّ و انکار و اعتراض آنان بودند.

این روایت بیانگر انکار و مذمت تمام فرق صوفیه است و تصریح به این معنا دارد که همه آن‌ها مخالف طریقه ائمه اطهار : می‌باشند. تعجب‌آور این که اخیراً شنیده می‌شود برخی از صوفیان که جرأت ردّ روایات ضد صوفیه را

ندارند، می‌گویند این روایات مربوط به صوفیان اهل سنت است و به صوفیان شیعه ربطی ندارد؛ چنان‌که «زین العابدین شیروانی» صاحب کتاب «کشف المعارف» که یکی از سران صوفیه به ظاهر شیعه است، می‌نویسد: این مطلب درست است که می‌گویند امام رضا 7 گفته است: «هر کس که در حضور او از صوفیان ذکری به میان آید، و با زبان یا دل خود آنان را تقبیح نکند، از ما نیست و هر کس آن‌ها را تقبیح کند، مانند کسی است که در رکاب پیامبر با کافران می‌جنگد»، اما باید درک کرد که روی این سخن صرفاً با صوفیان دروغین است که «آفتاب امامت را تیره می‌کنند»؛ یعنی صوفیان سنی.

شبهه و پاسخ:

بنا به گفته معصوم علیشاه، فرزند جانشین شیروانی: «تصوف حقیقی، همان تشیع حقیقی است». تشیع امامی، وجه بیرونی ائمه معصوم، و حقایق الهی تصوف، وجه درونی آن است.»

در پاسخ می‌گوییم:

اولاً: منطق روایات مربوط به صوفیه عموماً بر خلاف این ادعا است و برخی از آن‌ها به انکار و مذمت تمام صوفیه پرداخته و تصریح کرده‌اند به این‌که همه صوفیه مخالف طریقه اهل بیت و ائمه اطهار : می‌باشند، و اگر چه مدعی محبت علی 7 و اولاد او هستند، ولی آنان در این ادعای خود دروغ می‌گویند؛ از این‌رو، محبت اهل بیت و شیعه بودن با تصوف سازگار نیست. ثانیاً: امام هادی 7 در حدیثی به صراحت صوفیان مدعی تشیع را پست‌ترین طایفه صوفیه دانسته‌اند؛^(۳) از این رو دیگر تردیدی باقی نمی‌ماند در این‌که تصوف با تشیع سازگار نیست.

ثالثاً: روایت امام صادق 7 که به سند صحیح روایت شده است، دقیقاً شامل صوفی‌های به ظاهر شیعه نیز می‌باشد. امام صادق 7 ضمن بیان اینکه صوفی‌ها دشمنان ما هستند و هر کس به آنان تمایل نشان دهد، از آنان است، فرمود: «در

۳. سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۸.